

بررسی تأثیر سبک زندگی بر پیشگیری از جرائم (بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری) در بین زندانیان و غیر زندانیان استان همدان

اسماعیل بلالی^۱، حیدر بابایی^۲، ناهید بابایی^۳، محمد پورسینا^۴

۱۴۰/۱۰۵-

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۵

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۸/۱۲

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر سبک زندگی (بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری) بر پیشگیری از جرائم در بین زندانیان و غیر زندانیان استان همدان می‌باشد. در این پژوهش، شاخص‌های در نظر گرفته شده برای سبک زندگی، شیوه زندگی مسکونی، تفریحی، معاشرتی و روانی است. روش مطالعه حاضر کمی و پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی ساخت یافته و از طریق دو گروه مجرم و غیر مجرم گردآوری شد. این پژوهش از دو جامعه آماری افراد زندانی و غیرزندان تشکیل شده و با استفاده از فرمول مورگان و کریجی، حجم نمونه ۳۱۰ محاسبه شده است. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که قاچاق مواد مخدر بیشترین میزان را در بین جرائم دیگر دارا است. باید عنوان داشت که تفاوت معناداری بین شیوه زندگی مسکونی و روانی افراد مجرم و غیر مجرم وجود ندارد. اما، بین شیوه زندگی تفریحی و شیوه زندگی معاشرتی افراد مجرم و غیر مجرم تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که اکثر افراد در همه گروه‌های از آشنفتگی روانی بالایی رنج می‌برند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، پیشگیری، شیوه زندگی مسکونی، شیوه زندگی روانی، شیوه زندگی تفریحی.

۱- دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان، گروه علوم اجتماعی

۲- کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان، گروه علوم اجتماعی

۳- کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی سینا همدان، گروه علوم اجتماعی (نویسنده مسؤول)

nb66_basu@yahoo.com

۴- دانشجوی دکتری رشته مشاوره دانشگاه خوارزمی تهران

مقدمه و بیان مسأله:

رشد روزافزون ارتباطات نظری و اجتماعی با جامعه مدرن غربی، موجب نوعی یکسان‌سازی مفهومی در تحلیل واقعیت‌های متفاوت جوامع شده است. یکی از مفاهیمی که در سال‌های اخیر در حال سیطره بر نظریه‌های اجتماعی خصوصاً دیدگاه‌ها و نگرش‌های هویت است، مفهوم سبک زندگی است.

سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد تانه فقط نیازهای جاری او را برآورند بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران مجسم سازد. طبیعی است که تفاوت‌های سبک زندگی بین گروه‌ها، همان‌گونه که بوردیو به تأکید می‌گوید (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱)، در واقع شکلهای ساختاری مقدماتی برای گروه‌بندی‌های اجتماعی هستند. به گفته دیوید چنی نیز، سبک‌های زندگی به مثابه گفتمانی در دوره مدرنیسم محسوب می‌شوند. دوران مدرن بر اساس پیدایش ایدئولوژی‌های غیردینی غالب مشخص می‌شود که بر حسب درجات و گونه‌های متفاوت آگاهی طبقاتی، سازنده تضاد اجتماعی‌اند (چنی، ۱۹۹۶: ۱۵۹). در پی این تضادهای اجتماعی؛ می‌توان بحث در مورد جرم را به میان کشید که صرف نظر از اینکه تعریف آن به شدت تحت تأثیر مشخصه‌های مکانی و زمانی، زمینه‌های فرهنگی، مناسبات اجتماعی، ساختار اقتصادی، ملاحظات سیاسی و الزامات ایدئولوژیک است، نحوه برخورد با آن نیز به عوامل فوق بستگی دارد. از آنجا که پژوهش سبک زندگی، درباره رفتارها و فعالیت‌های واقعی است، این امکان را فراهم می‌کند تا تغییراتی را که تحقق یافته‌اند، مطالعه کنیم و حتی به این نکته بپردازیم که میان آنچه ارزش‌های ما حکم می‌کرده‌اند و

نگرش‌های ما بدان تمایل داشته‌اند با آنچه تحقق یافته است، چقدر فاصله وجود دارد.

در واقع، وقوع و گسترش جرم در هر جامعه‌ای موجب تحمیل انواع هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی بر بخش خصوصی و عمومی می‌شود. هزینه‌های اجتماعی جرم شامل هزینه‌های مستقیم آن مانند ساختمان‌سازی و ایجاد فضای فیزیکی برای نگهداری مجرمان، تجهیز زندان‌ها به امکانات اولیه، هزینه‌های تأمین امنیت اجتماعی از طریق جذب و آموزش نیروی انتظامی و افزایش تعداد مراکز پلیس می‌گردد و هزینه‌های غیر مستقیمی مانند هزینه فرصت درآمدهای از دست رفته برای مجرمان را در بر می‌گیرد (کوتر و یولن^۱، ۱۳۸۸: ۶۵۱). در دنیای امروز جرم مسئله‌ای اجتماعی تلقی می‌شود، نه مشکل اخلاقی مربوط به افراد. سازمان‌های تخصصی جهان و پژوهشگران رشته‌های مختلفی مانند جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، روانشناسی و حتی اقتصاد آن را مورد کاوش علمی قرار می‌دهند و کوشش‌های زیادی در سطح خرد و کلان برای شناخت انگیزه‌های رفتار مجرمانه و عوامل متنوع مؤثر بر آن انجام می‌دهند. افزایش جمعیت و توزیع نامتعادل آن در مناطق شهری بویژه شهرهای بزرگ، افزایش بیکاری، بحران‌های اقتصادی، مهاجرت، تغییرات سریع فرهنگی و اقتصادی سبب تحول‌های عظیمی در سطح جامعه شده است، که افراد با توجه به این مشکلات و با اهمیت به سایر ساختارهای حاکم، شیوه زندگی مناسب را برمی‌گزینند و در رویارویی با این مصائب در صدد یافتن چاره‌ای بهتر برای حل آن بر می‌آیند.

به عبارتی، هر چه نفوذ و کشش صنعت کمتر می‌شود و هر چه زندگی روزمره بیش‌تر بر حسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر

^۱ Cautery and Yvln

ناچار می‌شوند سبک زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند. با این وصف، به دلیل بازبودن زندگی اجتماعی امروزی و همچنین به علت تکثر زمینه‌های عمل و تنوع مراجع انتخاب، سبک زندگی بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت یافته است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۱).

در این تحقیق شیوه زندگی عبارت است از طیف رفتاری که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست. در نهایت این که شیوه زندگی زائیده انتخاب‌های مردم در میان محدودیت‌های ساختاری‌شان است. رفتارهایی که حول اصلی واحد انسجام‌یافته و زندگی فرد مجرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، با مطالعه مقدماتی تعیین گردیده است. این اصل‌های محوری عبارتند از سبک‌های زندگی سکونتی، تفریحی، روانی و معاشرتی که هر کدام از سبک‌ها با شیوه‌های رفتاری و طرز تلقی خاصی مشخص می‌شود. در واقع، مسأله این است که در مقابله با پدیده بزهکاری و جرم در کشورها کمتر به جنبه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن توجه شده است و برداشتی صرف انتظامی و قضایی موجب شده است تا مجازات مجرم در اولویت قرار گیرد و پیگرد و دستگیری وی اهمیت بیشتری داشته باشد. این در حالی است که امروزه در کنار این اقدامات به منظور پیشگیری از وقوع جرم، بررسی و شناخت شیوه‌های مختلف زندگی که پدیده جرم در آن‌ها بیشتر رخ می‌دهد، می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش بروز رفتار مجرمانه داشته باشد.

رهبر انقلاب اسلامی نیز، در تشریح مفهوم سبک زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف، اشاره کردند و افزودند: در واقع سبک

زندگی به همه مسائلی بر می‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند. بدین ترتیب، می‌توان گفت که سبک زندگی عبارت است از طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است، عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است اما الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۳). در حال حاضر، در کشور ایران میزان وقوع جرم و جنایت و قانون شکنی و بطور خلاصه کجروی‌ها در سطح بالایی می‌باشد. طبق آخرین آمار رسمی منتشر شده و آخرین اطلاعات موجود در سال ۱۳۹۲، حدود ۲۱۷ هزار زندانی در زندان‌های ایران در حبس به سر می‌برند که طبق گفته رئیس سازمان زندان‌های کشور، هم‌اکنون ۰/۴۳ درصد زندانیان را مجرمان مواد مخدر و ۰/۲۸ درصد را سارقان تشکیل می‌دهند. که این آمار نگران کننده خود می‌تواند بستری را برای تحقیقات و پژوهش‌های کارشناسان، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان فراهم کند.

با توجه به آنچه گذشت پژوهش حاضر سعی دارد به سوال‌های زیر پاسخ دهد: (۱) شیوه زندگی افراد مجرم با غیر مجرم چه تفاوت‌های دارد؟، (۲) مکانیسم‌های تأثیر شیوه زندگی بر جرم کدامند؟.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش:

با وجود اینکه تحقیقات متعددی درباره پیشگیری از جرم و سبک زندگی در داخل و خارج از کشور انجام شده ولی به دلایل فراوانی از جمله اینکه تاکنون به طور همزمان به بررسی سبک زندگی و پیشگیری از جرم پرداخته نشده است، این موضوع هنوز جای بررسی بیشتری دارد.

رهبر انقلاب اسلامی، آسیب شناسی و علت‌یابی در زمینه عدم پیشرفت لازم در بخش سبک و فرهنگ زندگی را ضروری خواندند و با دعوت از اندیشمندان حوزه

و دانشگاه، نخبگان سیاسی و فکری، دستگاه‌های مرتبط با فرهنگ و تعلیم و نیز جوانان خاطرنشان کردند: در این زمینه باید ضمن تلاش جدی برای آسیب شناسی، به چاره جویی و جستجوی راه‌های علاج پردازیم. (میری و همکاران، ۱۳۹۲).

بنابراین، این امر مهم ضرورت می‌یابد.

به گزارش مرکز مطالعات بین‌المللی زندان‌های جهان، ایران در رتبه هشتم تعداد زندانیان قرار گرفته است. همچنین، در حال حاضر یعنی در سال ۲۰۱۴ و براساس آمارهای موجود نیز، به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر در کشور ۸۰۰ نفر وارد زندان می‌شوند که نگران کننده است، چرا که در حال حاضر آسیب‌های اجتماعی امروز خانواده ایرانی را نشانه گرفته است. با توجه به اهمیت این معضل مهم در کشور ما، اقدامات مناسب برای پیشگیری از بروز این حوادث اهمیت بسیاری دارد. از طرف دیگر آنچه موجب نگرانی شده است، صدمات و لطمات جبران ناپذیری است که بر اثر تبعات زندانی بودن فرد مجرم بدون در نظر گرفتن سبک زندگی او، ایجاد می‌شود و می‌تواند برای جامعه ایجاد خطر کند، پس شناسایی و بررسی تأثیر سبک زندگی برای پیشگیری از رفتار مجرمانه سبب می‌شود که مسئولین مربوط، در مورد چگونگی تحقق و میزان آن شناخت پیدا کنند، آنگاه شیوه‌های صحیح و مناسب را جستجو نمایند. لذا این‌گونه مطالعات و تحقیقات ضرورت می‌یابند، تا از یک‌سری عوامل آسیب‌زا جلوگیری به عمل آید. در آخر می‌توان عنوان کرد که این یک پژوهش کاربردی است. بنابراین، مسأله حایز اهمیت در این پژوهش، بررسی تأثیر سبک و شیوه زندگی بر پیشگیری از جرائم در بین زندانیان شهر همدان است.

در کل می‌توان عنوان داشت که مطالعه در باب سبک زندگی زندانیان مجرم و افراد غیر مجرم در محیط زندگی آنها، از جهات مختلف می‌تواند مثمر ثمر باشد: اولاً، در پی انجام چنین پژوهش‌هایی می‌توان به شناختی ذیقیمت از جامعه زندانیان دست

یافت. ثانیاً، از طریق چنین پژوهش‌هایی به ویژه با مطالعه سبک زندگی زندانیان، می‌توان عوامل متعددی را شناسایی کرد که در روندی درازمدت قریحه و رفتار فرهنگی آنها را در سطوح مختلف ساخته‌اند. ثالثاً، عوامل سازنده هویت زندانیان از دیگر مقولاتی است که در این مسیر شناخته می‌شود. رابعاً، این گونه مطالعات نشان می‌دهند که سبک زندگی زندانیان و افراد محیط زندگی آنها بر نوع سناریوهایی که از آینده ترسیم می‌کنند، تأثیر می‌گذارند. این نکته درباره سبک زندگی مادی و فرهنگی توأمان صدق می‌کند. دانستن این سناریوها راهی برای شناخت مسیر احتمالی حرکت جامعه، یا حداقل شناختن راهی است که سیاست‌مداران و مسئولین پیمودن آن را مطلوب می‌پندارند. این گونه اطلاعات، حداقل برای ساختن سیاست اجتماعی واقع بینانه‌اند. هم‌چنین، غالباً افرادی که مرتکب رفتار مجرمانه می‌شوند دارای یک یا چند شیوه زندگی محوری در دوران حیات خود می‌باشند. محقق درصدد است که رابطه مؤثرترین شیوه زندگی را در پیدایش رفتار مجرمانه نشان دهد. علاوه بر این، با توجه به انواع شاخص‌های شیوه زندگی، بستر مناسبی را برای تحلیل انواع رفتارهای مجرمانه نظیر "قتل، سرقت، ضرب و جرح، ارتشا، چک بی محل و ..." ارائه دهد.

اهداف تحقیق

هدف بنیادی این پژوهش بررسی تأثیر سبک و شیوه زندگی (بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری) بر پیشگیری از جرائم در بین زندانیان استان همدان می‌باشد. رسیدن به این هدف نیازمند توانایی در شناسایی عوامل تأثیرگذار بر پیشگیری از جرائم است. در این راستا پژوهش حاضر سعی می‌کند که ضمن بررسی شیوه زندگی در بین زندانیان، عوامل شاخص و مهمی را که در این امر ضروری می‌باشند به طور دقیق‌تری بررسی، شناسایی و عملیاتی شوند و به نوعی تأثیر سبک زندگی بر

پیشگیری از جرائم را، مورد ارزیابی قرار دهد. لذا هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روی پیشگیری از جرائم است، به طوری که یافته‌های این پژوهش بتواند سیاست‌گذاران را در بالا بردن برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر یاری رساند.

اهداف فرعی آن نیز عبارت است از:

- ۱- شناخت شیوه زندگی تفریحی اعم از مخاطره‌انگیز و سالم و رابطه آن با بروز رفتارهای مجرمانه
- ۲- شناخت شیوه زندگی مسکونی و رابطه آن با بروز رفتارهای مجرمانه
- ۳- شناخت شیوه زندگی معاشرتی و رابطه آن با بروز رفتارهای مجرمانه
- ۴- شناخت ناراحتی‌های عاطفی افراد مجرم و رابطه آن با بروز رفتار مجرمانه
- ۵- شناخت تفاوت شیوه زندگی (معاشرت، سکونت و روانی) بین دو گروه مجرم و غیر مجرم
- ۶- شناخت طبقه اجتماعی در بین پنج گروه جرمی (مواد مخدر، سرقت، جرائم علیه اشخاص، جرائم علیه اموال و مالکیت و اعمال منافی عفت).

پیشینه مطالعاتی پژوهش:

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند که در خصوص پیشگیری از جرائم و سبک زندگی مطالعات و تحقیقات مختلفی انجام شده است که در ادامه، به برخی از این تحقیقات و نتایج آن‌ها در داخل و خارج از ایران اشاره خواهد شد. اما بایستی این نکته را عنوان کرد که محقق نتوانسته است به پژوهشی که به طور همزمان به سبک زندگی و به پیشگیری از جرائم پرداخته است، دست یابد. هم‌چنین، این پژوهش اولین بار است که در استان همدان انجام می‌گیرد.

دریک^۱ و همکارانش (۲۰۰۵)، طی یک پژوهش ملی خطر جرم و جنایت برای کودکان و نوجوانان و شیوه زندگی آنها را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش حدود ۱۲ سال در بین محلات جرم‌خیز انگلستان به طول انجامید. هدف این بررسی کاهش خطر ابتلای کودکان به جرم و دخالت در رفتارهای ضد اجتماعی بود. با استفاده از روش ایجاد زمینه خطر برای این کودکان، مشخص شد که بین زمینه و خطر ارتباط وجود دارد. شواهد نشان داد که عوامل زیادی از جمله نحوه زندگی آنها برای ایجاد خطر وجود دارد، هم‌چنین، مداخلات متعدد نوجوانان و تجربیات آنها از زندگی و هم وجود خانواده‌های آنان تأثیر مثبتی را در کاهش خطر و تخلف آنها دارند. امبوسو^۲ (۱۹۸۱)، در یک مطالعه جامعه‌شناختی به بررسی فرآیند برچسب و جرائم دانشجویان نیجریه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که بین زمینه اجتماعی، سابقه رفتار انحرافی و دریافت برچسب رابطه وجود دارد و احتمال بروز رفتارهای مجرمانه در آینده از جانب دانشجویانی مه دارای زمینه اجتماعی با سابقه رفتار انحرافی و محکومیت بوده‌اند، بیشتر خواهد بود. در ایران نیز، رحمت‌آبادی و آقابخشی (۱۳۸۵)، طی پژوهشی در مورد سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، به دو رویکرد رسیدند که رویکرد اول مرتبط با مفهوم طبقه اجتماعی و رویکرد دوم در مفهوم سبک زندگی خلاصه می‌شود. در واقع، هدف کاربردی این مطالعه ارائه معیارهایی دال بر گروه‌بندی اجتماعی جدید بر مبنای سبک زندگی در دهه اخیر است که مرزهای هویت را ترسیم می‌کند. ربانی و شیرینی (۱۳۸۸)، به بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان به مثابه بخشی از مفهوم عام سبک زندگی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر نقش تعیین‌کننده طبقه اجتماعی و ترکیب

^۱ Derrick

^۲ Mbosowo

همزمان جنسیت با طبقه اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت است. در این پژوهش نیز، به نحوه گذران اوقات فراغت و طبقه اجتماعی افراد مجرم و غیر مجرم و تأثیر آن بر سبک زندگی پرداخته می‌شود اما به دلیل وجود یک جنس (مردان) بحث جنسیت به میان کشیده نمی‌شود. در مطالعه دیگری ملکیمان و شریفیان (۱۳۸۸) عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم در میان زنان زندانی زندان‌های استان گلستان را مورد بررسی قرار داده‌اند. این محققان، فقر را که با شاخص زندگی در محلات فقیرنشین و جرم‌خیز معرفی شده در کنار عوامل اجتماعی نظیر پایین بودن سطح تحصیلات و ضعیف بودن باورهای مذهبی در ارتکاب جرم مؤثر می‌دانند.

مداح و خیرخواهان (۱۳۸۹)، طی پژوهشی به تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان داد با اطمینان ۹۵ درصد اثر رسیدن به موقعیت اجتماعی بهتر، فقر، محدودیت‌های درآمدی و پیشینه قبلی جرم را بر روی نرخ جرم نمی‌توان رد کرد، هم‌چنین، سطح تحصیلات ۶۰ درصد از مجرمان نمونه کمتر از دیپلم و ۶۶ درصد از آنان دارای سن بین ۱۵ تا ۳۵ سال بوده‌اند که این اطلاعات نشان می‌دهد سطح آموزش پایین و جوانی جمعیت احتمال مشارکت افراد در فعالیت‌های مجرمانه را افزایش می‌دهند.

عبادی‌نژاد و همکارانش (۱۳۹۱)، طی پژوهشی به بررسی تحلیل مکانی مؤلفه‌های مؤثر بر پیشگیری از جرم پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عوامل جغرافیایی (انسانی، طبیعی) بر امنیت عمومی شهرستان مرودشت تأثیر مستقیمی دارد. از میان عوامل جغرافیایی، عواملی مانند مهاجرت، حاشیه‌نشینی، وجود اتباع بیگانه، زندگی در بافت فرسوده شهر، رشد شهرنشینی و نبود فرهنگ شهرنشینی متناسب با جامعه

مورد نظر که جزء عوامل جغرافیایی- انسانی محسوب می‌شوند، مهمترین عوامل جرم‌خیز بودن شهر مرودشت تشخیص داده شده‌اند. همان‌طور که در مطالعات داخلی و خارجی مشاهده می‌شود، اکثر محققان به طور مجزا به موضوعاتی از جمله تاثیر سبک زندگی بر هویت جوانان، وجود سبک زندگی پسامدرن در بین آنها، عوامل اجتماعی مؤثر بر ارتکاب جرم، تحلیل مکانی مؤلفه‌های مؤثر بر جرم و ... پرداخته‌اند. در واقع، هیچ کدام به طور مستقیم به بررسی تاثیر سبک زندگی در پیشگیری از جرائم در بین زندانیان و محیط زندگی آنها نپرداخته‌اند. بنابراین، با توجه به برخی از متغیرهای مهم در این پژوهش‌های پیشین، می‌توان به بررسی این امر مهم پرداخت.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق:

در این پژوهش ضمن وجود نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون در مورد سبک زندگی و پیشگیری از جرائم، تنها به یکسری از آنها پرداخته می‌شود. در کل، دیدگاه‌ها و نظریات مربوط به سبک زندگی و جرم به چند دسته تقسیم می‌شوند:

دیدگاه مربوط به سبک زندگی

آدلر از شیوه‌ی زندگی به عنوان هسته مرکزی الگوی فکر کردن، احساس کردن، عمل کردن نام می‌برد و معتقد است که شیوه‌ی زندگی است که مشخص می‌کند گرایش افراد به سوی کدام یک از امور زندگی باشد. برای به دست آوردن فهم عملی از هر حوزه پنج گرایش ممکن است تعریف شود (گرایش به سمت توسعه خود، گرایش به سمت مشکلات، گرایش به سمت دیگران که ممکن است شامل مشارکت، رد، استثمار و حکومت کردن باشد. گرایش به سمت جنس مخالف که می‌تواند به صورت احترام، پذیرش، رد و ... باشد، گرایش به سوی زندگی). در کل،

آدلر معتقد است که سبک زندگی تحت تأثیر پنج منشاء و سه امر مهم زندگی است که عبارتند از:

۱- پنج منشاء (سلامتی حضور، موقعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده، نگرش والدین، مجموعه خانواده، نقش‌های جنسی)

۲- سه امر زندگی (عشق و حیثیت، اشتغال، ارتباط با دیگر انسان‌ها)

الف) منشاء: دوران نخستین کودکی بر سبک زندگی فرد تأثیر می‌گذارد ممکن است آن‌ها تأثیر منفی بر کودک گذاشته، اما هیچ کدام به تنهایی نمی‌توانند سبب جهت-دهی‌های منفی در زندگی وی باشند. او به طور احساسی از نیروی خلاقیت و محیط و ایده‌هایش برای بهترین راه زندگی کردن استفاده می‌کند.

ج) سه امر زندگی: که هر بزرگسالی به طور معمول در چالش با آن‌ها در فرهنگ قرار دارد. سوال فرد از هر چالشی شاخص مهمی از سلامت روانی او می‌باشد. اگر چه آدلر تأکید بر سه امر اصلی زندگی می‌کند، دیگر پیروان او امور دیگری را نظیر توسعه خود، خانواده، مذهب، هنر، طبیعت، مرگ را پیشنهاد می‌کنند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۶). در این پژوهش نیز با توجه به سبک زندگی افراد به کردارهای فرد در پنج گروه جرمی (مواد مخدر، سرقت، جرائم علیه اشخاص، جرائم علیه اموال و مالکیت و اعمال منافی عفت) پرداخته می‌شود.

دیدگاه‌های مربوط به محل سکونت و بروز رفتار مجرمانه

- نظریه بوم‌شناختی: بر اساس نظریه بوم‌شناختی که در دهه ۱۹۲۰، در شیکاگو ایجاد شد. بین ارگانسیم‌ها و محیط رابطه وجود دارد. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ بکار بردند و چنین استدلال کردند که رفتار

انسان را می‌توان بر حسب محیط شهری او تبیین کرد. پارک^۱ و برگس معتقدند که اقلیت‌های قومی (عمدتاً مهاجرین) وقتی که وارد شهر می‌شوند، از فرهنگ همگن خود جدا شده و به عنوان یک خرده فرهنگ وارد گروه‌بندی‌های ساکنین شهری می‌شوند. این فرایند تبدیل گروه‌های اقلیت (عمدتاً مهاجرین) به گروه‌های خرده-فرهنگی همراه با پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین ساکن این منطقه و سکونت در زاغه‌نشین‌های شهری در جوامع صنعتی به خرده فرهنگ بزهکارانه و به طور کلی شیوع جرم و جنایت منتهی می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۹). شاو و مک‌کی^۲ نتیجه گرفتند که فقر، تحرک اجتماعی عمودی رو به بالای ساکنان و ناهمگونی قومی منجر به ضعف تعهدات و کنترل اجتماعی می‌شود، و بی‌سازمانی اجتماعی را بوجود می‌آورد، که به نوبه خود منجر به رفتار انحرافی می‌شود. هیرشی با استفاده از این نظریه، نظریه کنترل را بیرون کشید که عمدتاً برخورد جوانان، خانواده‌ها مدارس و گروه همسالان توجه می‌کند (هاگان^۳، ۱۹۹۴: ۲۶).

- **نظریه طبقه‌بندی واحد مسکونی:** این نظریه بر این پایه استوار است که میزان ارتکاب جرم توسط افراد اجاره‌نشین شهر بیشتر از مالکین واحدهای مسکونی است. به عبارتی تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی بین افراد جامعه و از جمله نوعی تصرف مسکن آنها در ارتکاب عمل مجرمانه آنها مؤثر است (شکوهی، ۱۳۶۹: ۱۰۲).

- **نظریه پنجره‌های شکسته:** طبق این نظریه نیز، این نکته به خوبی اثبات شده است که مراقبت‌های عمومی به میزان زیادی موجب کاهش جرم می‌شود. از طرفی عدم مراقبت و بهم ریختگی محیطی مانند وجود آشغال، خرابه‌ها، انجام برخی رفتارهای

^۱ Park

^۲ Shaw and Mac Kay

^۳ Hagan

بی‌ادبانه و خشن، ولگردی، مستی و تکدی‌گری در این مکان‌ها موجب افزایش جرم می‌شود (پرکینس^۱، ۱۹۹۳: ۲۹-۲۴).

دیدگاه‌های مربوط به معاشرت با دوستان و بروز رفتار مجرمانه:

- نظریه ساترلند^۲: ساترلند علل وقوع انحراف و تداوم آن را عوامل زیر می‌داند:

- ۱- کج رفتاری آموخته می‌شود. یعنی کج رفتاری یک پدیده ارثی نیست.
 - ۲- کج رفتاری در ضمن کنش متقابل با دیگران یعنی، در جریان برقرار کردن آموخته می‌شود.
 - ۳- بخش اصلی یادگیری رفتار کجرو در اثر ارتباط صمیمی در درون گروه انجام می‌گیرد.
 - ۴- فراوانی معاشرت از نظر دفعات وقوع، مدت، ارجحیت و شدت می‌تواند متفاوت باشد. یعنی میزان معاشرت فرد با افراد کج رفتار در مقابل افراد بهنجار مورد نظر است.
 - ۵- زمانی که رفتار کجرو آموخته می‌شود
- الف: این یادگیری شامل تکنیک‌های ارتکاب جرم می‌گردد که در بعضی موارد دشوار و در بعضی موارد آسان هستند.
- ب: این یادگیری شامل کسب گرایش‌های خاص، جهت‌ها، انگیزه‌ها و توجیه رفتار می‌گردد.

^۱ Prkyns

^۲ Sutherland

۶- جریان یادگیری فرد کنجرو از طریق معاشرت شامل تمام مکانیسم‌های یادگیری می‌شود که برای هر رفتار دیگری ضروری است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۹۰-۹۲).

- نظریه تقلید گابریل تارد^۱: وی معتقد است که اعمال و رفتار هر فرد در جامعه یا اجتماع ناشی از تقلید است، افراد با تقلید از عادات دیگران روابط اجتماعی خود را برقرار می‌نمایند (دانش، ۱۳۶۸: ۲۳۵).

دیدگاه‌های مربوط به اوقات فراغت و بروز رفتار مجرمانه

فراغت را گاه در معنای زمان آزاد به کار برده‌اند و گاه به معنای فعالیت آزادانه و دلخواه در نظر گرفته‌اند.

- دیدگاه پیر بوردیو^۲: او تحقیقات متعددی درباره فعالیت‌های اوقات فراغت و سبک‌های زندگی انجام داد تا نشان دهد در نظام‌های سلطه، چگونه نابرابری‌های طبقاتی بازتولید می‌شود. بوردیو معتقد است اگر چه بسیاری از تفاوت‌های مربوط به نحوه گذران اوقات فراغت ربطی به طبقه اجتماعی، اقتصادی ندارد، اما پرورش شخص در خانواده و طبقه‌ای خاص، بر انتخاب اوقات فراغت او بسیار تأثیرگذار است. از نظر وی، علایق، سلیقه‌ها، خواست‌ها و برداشت‌های مربوط به فراغت، در دوران کودکی در درون خانواده‌ها و محیط اجتماعی پیرامون آن فرا گرفته می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۵).

دیدگاه‌های مربوط به زندگی روانی فرد و بروز رفتار مجرمانه

- نظریه روانکاوی فروید: بر طبق نظریه روانکاوی فروید، شخصیت انسان به وسیله نیروی حیاتی و مکانیسم‌های دفاعی و روانی خود را به پیش می‌برد تا سازگاری با

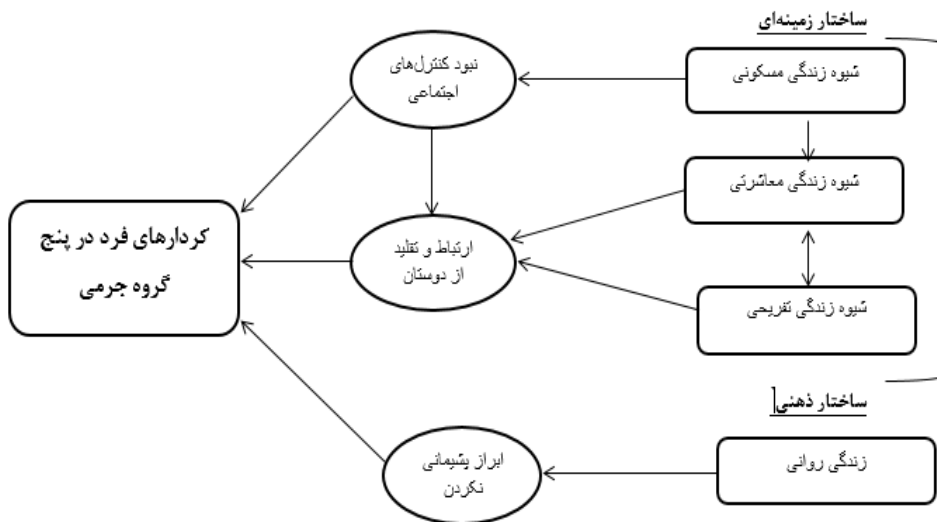
^۱ Gabriel Tard

^۲ Pierre Bourdieu

محیط و ارضای نیازمندی‌ها برای او پیوسته امکان‌پذیر باشد. اگر در این تلاش ناخودآگاه به موانعی برخورد کند و نتواند از آنها بگذرد، از نظر روانی سیر قهقرایی در پیش می‌گیرد، و متوجه مراحل قبلی زندگی یعنی دوران کودکی می‌گردد. نتیجه این شکست به دو صورت نمایان می‌گردد: صورت اول متوجه خود شخص می‌گردد و بیمار روانی به جان خود آسیب می‌رساند. صورت دوم متوجه جامعه می‌شود و به این فرد شکست خورده عنوان بزهکار می‌دهند.

- دیدگاه آلبرت باندورا و ریچارد والترز: آنها معتقدند که هم تنبیهات بدنی مستمر و هم بی‌مبالاتی زیاد در کنترل رفتار پسران جوان توسط والدین به بزهکاری جوانان می‌انجامد (چلبی و روزبهانی ۱۳۸۰).

مدل مفهومی پژوهش:



شکل شماره ۱ مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش:

- ۱- شیوه زندگی مسکونی از طریق نبود کنترل‌های اجتماعی با بروز رفتار مجرمانه رابطه دارد.
- ۲- میزان ارتباط و تقلید افراد مجرم از دوستان با شیوه زندگی معاشرتی رابطه دارد.
- ۳- شیوه زندگی تفریحی با جرم رابطه دارد.
- ۴- انتظار می‌رود تنبیهات بدنی و کم‌توجهی والدین از طریق ناراحتی‌های عاطفی بر جرم تأثیر بگذارد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش میدانی به روش پیمایش و از نوع کاربردی و مقطعی است. داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری شده و این پژوهش از دو جامعه آماری انتخاب شده‌اند. جامعه آماری اول مشتمل بر افراد مجرم محبوس در زندان همدان بوده‌اند که دوران محکومیت خود را می‌گذرانند و طبق تقسیم‌بندی اداره امور زندان‌ها در پنج گروه جرمی (مواد مخدر، سرقت، جرائم علیه اشخاص، جرائم علیه اموال و مالکیت و اعمال منافی عفت) قرار گرفته‌اند. جامعه آماری دوم شامل افرادی است که در همان محل یا منطقه افراد مجرم سکونت دارند و سابقه کیفری یا بازداشتی ندارند. افراد انتخاب شده شامل مردان ۱۸ تا ۵۴ سال در هر دو جامعه آماری می‌باشند. از آنجایی که تعداد کل زندانیان شهر همدان ۸۰۰۰ زندانی می‌باشند، بنابراین با استفاده از فرمول مورگان، حجم نمونه ۳۴۱ محاسبه شده است. اما به دلیل وجود پرسشنامه مخدوش، ۳۱۰ پرسشنامه محاسبه شد. سپس برای آزمون فرضیات دو گروه مجرم و غیر مجرم، افراد مجرم به سه دسته بالای شهر، متوسط و پایین شهر تقسیم شدند و بر اساس نمونه‌گیری سهمیه‌ای از ۳۱۰ نفر مجرم شش منطقه بر

اساس جدول اعداد تصادفی انتخاب شده است. به منظور احراز اعتبار لازم در این پژوهش، برای سنجش برخی متغیرها از مقیاس‌های استاندارد و برخی دیگر، محقق ساخته استفاده کردیم و ضمن بومی‌سازی مقیاس‌های استاندارد، در راستای موضوع تحقیق حاضر و چارچوب مفهومی و نظری آن (اعتبار سازه‌ای) از اعتبار صوری استفاده شد. بدین ترتیب که پیش‌آزمون با تعداد ۴۰ پرسش‌نامه انجام گرفت و برخی گویه‌ها و سوالات دارای اشکال و ابهام اصلاح شدند که تعداد آنها خیلی کم بود. به منظور اندازه‌گیری پایایی تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و نتایج محاسبه این شاخص در مورد اکثر سنجه‌های به کار گرفته شده نشان داد که پایایی سنجه‌های این پژوهش در حد مطلوبی برآورده شده است. داده‌ها پس از گردآوری، توسط نرم-افزار spss مورد پردازش قرار گرفت و تحلیل آن‌ها متناسب با سطح سنجش متغیرها انجام شد.

یافته‌ها و نتایج پژوهش:

- **نتایج متغیرهای زمینه‌ای:** در این پژوهش علاوه بر تلاش برای تبیین رابطه جرم و سبک زندگی، سعی شده است تا به یکسری متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، میزان تحصیلات و ... نیز پرداخته شود. بر این اساس، نتایج حاکی از آن است که اکثر مجرمین در سن ۳۱ تا ۳۵ سال قرار دارند، این در حالی است که درصد بالایی از مجرمان در سن ۱۸ تا ۳۰ سال قرار دارند. بیشتر آنها مجرد می‌باشند. هر چند مجرمین متأهل هم قابل توجه است. همچنین، اکثراً هم خودشان و هم دوستانشان دارای سواد ابتدایی و راهنمایی می‌باشند. و درصد خیلی پایینی هم دارای مدرک لیسانس و لیسانس به بالاتر هستند. بیشتر پاسخگویان از مذهب شیعه پیروی کرده و دارای قومیت فارس و ترک هستند. همچنین، نتایج حاکی از آن است که بستگان

درجه یک حدود ۴۵ درصد از پاسخگویان دارای سابقه زندانی شدن هستند. علاوه بر این اکثر زندانیان نیز خود دارای سابقه زندان هستند.

- **نتایج جداول دو بعدی:** جداول دو بعدی تنها برای توصیف شیوه زندگی با رفتار مجرمانه تهیه گردیده است. در این جداول درصد ستونی به علت نحوه تحلیل از سطر به ستون به کار رفته است.

بررسی وضعیت شیوه زندگی مسکونی و نوع جرم

جدول (۱) حاکی از این مطلب است که اکثر افرادی که به جرم مواد مخدر، سرقت، اعمال منافی عفت، جرائم علیه اشخاص و جرائم علیه اموال دستگیر شده‌اند، در مناطق زیاد جرم‌زا زندگی می‌کنند.

جدول (۱) توزیع شیوه زندگی مسکونی و نوع جرم

			شیوه زندگی مسکونی			کل	
			کم جرم زا	تا حدی جرم زا	زیاد جرم زا		
نوع جرم	مواد مخدر	فراوانی	۰	۵۱	۷۷	۱۲۸	
		درصد	۰	۳۹/۸	۶۰/۲	۱۰۰	
	سرقت	فراوانی	۰	۲۷	۵۷	۸۴	
		درصد	۰	۳۲/۱	۶۷/۹	۱۰۰	
	اعمال منافی عفت	فراوانی	۰	۷	۱۳	۲۰	
		درصد	۰	۳۵	۶۵	۱۰۰	
	جرائم علیه اشخاص	فراوانی	۰	۱۳	۳۳	۴۶	
		درصد	۰	۲۸/۳	۷۱/۷	۱۰۰	
	جرائم علیه اموال	فراوانی	۱	۸	۲۳	۳۲	
		درصد	۳/۱	۲۵	۷۱/۹	۱۰۰	
	کل		فراوانی	۱	۱۰۶	۲۰۳	۳۱۰
			درصد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

بررسی وضعیت شیوه زندگی تفریحی و نوع جرم

طبق مندرجات جدول (۲)، اکثر افرادی که در گروه مواد مخدر، سرقت، اعمال منافی عفت، جرائم علیه اشخاص و جرائم علیه اموال هستند، دارای شیوه زندگی تفریحی زیاد جرم‌زا می‌باشند.

جدول (۲) توزیع شیوه زندگی تفریحی و نوع جرم

		شیوه زندگی تفریحی			کل	
		کم جرم زا	تا حدی جرم زا	زیاد جرم زا		
نوع جرم	مواد مخدر	فراوانی	۵	۴۲	۸۱	۱۲۸
		درصد	۳/۹	۳۲/۸	۶۳/۳	۱۰۰
	سرقت	فراوانی	۳	۴۰	۴۱	۸۴
		درصد	۳/۶	۴۷/۶	۴۸/۸	۱۰۰
	اعمال منافی عفت	فراوانی	۳	۹	۸	۲۰
		درصد	۱۵	۴۵	۴۰	۱۰۰
	جرائم علیه اشخاص	فراوانی	۳	۱۹	۲۴	۴۶
		درصد	۶/۵	۴۱/۳	۵۲/۲	۱۰۰
	جرائم علیه اموال	فراوانی	۰	۶	۲۶	۳۲
		درصد	۰	۱۸/۸	۸۱/۲	۱۰۰
	کل	فراوانی	۱۴	۱۱۶	۱۸۰	۳۱۰
		درصد	۴/۵	۳۷/۴	۵۸/۱	۱۰۰

بررسی وضعیت شیوه زندگی روانی و نوع جرم

طبق مندرجات جدول (۳)، اکثر افرادی که به جرم مواد مخدر دستگیر شده‌اند، از آشفتگی روانی متوسطی رنج می‌برند. سایر گروه‌های جرمی نیز، از میزان آشفتگی روانی بالا و متوسطی رنج می‌برند.

جدول ۳) توزیع شیوه زندگی روانی و نوع جرم

		شیوه زندگی روانی				کل	
		آشفتگی روانی پایین	آشفتگی روانی متوسط	آشفتگی روانی بالا			
نوع جرم	مواد مخدر	فراوانی	۸	۸۱	۳۹	۱۲۸	
		درصد	۶/۲	۶۳/۳	۳۰/۵	۱۰۰	
	سرقت	فراوانی	۱	۴۲	۴۱	۸۴	
		درصد	۱/۲	۵۰	۴۸/۸	۱۰۰	
	اعمال منافی عفت	فراوانی	۰	۱۰	۱۰	۲۰	
		درصد	۰	۵۰	۵۰	۱۰۰	
	جرائم علیه اشخاص	فراوانی	۱	۲۲	۲۳	۴۶	
		درصد	۲/۲	۴۷/۸	۵۰	۱۰۰	
	جرائم علیه اموال	فراوانی	۱	۲۲	۹	۳۲	
		درصد	۳/۱	۶۸/۸	۲۸/۱	۱۰۰	
	کل		فراوانی	۱۱	۱۷۷	۱۲۲	۳۱۰
			درصد	۳/۵	۵۷/۱	۳۹/۴	۱۰۰

بررسی وضعیت شیوه زندگی معاشرتی و نوع جرم

جدول (۴)، نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان در همه گروههای جرمی به طور متوسطی با دوستان ناباب ارتباط داشته و شیوه زندگی آنها معاشرتی ناباب می‌باشد.

جدول (۴) توزیع شیوه زندگی معاشرتی و نوع جرم

		شیوه زندگی معاشرتی ناباب			کل		
		کم	متوسط	زیاد			
نوع جرم	مواد مخدر	فراوانی	۱	۱۱۴	۱۳	۱۲۸	
		درصد	۸	۸۹/۱	۱۰/۲	۱۰۰	
	سرقت	فراوانی	۴	۶۶	۱۴	۸۴	
		درصد	۴/۸	۷۸/۶	۱۶/۷	۱۰۰	
	اعمال منافی عفت	فراوانی	۱	۱۸	۱	۲۰	
		درصد	۵	۹۰	۵	۱۰۰	
	جرائم علیه اشخاص	فراوانی	۳	۴۰	۳	۴۶	
		درصد	۶/۵	۸۷	۶/۵	۱۰۰	
	جرائم علیه اموال	فراوانی	۲	۲۸	۲	۳۲	
		درصد	۶/۲	۸۷/۵	۶/۲	۱۰۰	
	کل		فراوانی	۱۱	۲۶۶	۳۳	۳۱۰
			درصد	۳/۵	۸۵/۸	۱۰/۶	۱۰۰

تحلیل استنباطی:

در این مرحله با استفاده از آزمون‌های خی دو و ضریب همبستگی به تأیید یا رد فرضیه‌ها پرداخته می‌شود.

فرضیه اول: شیوه زندگی مسکونی از طریق نبود کنترل‌های اجتماعی با ارتکاب جرم رابطه دارد.

با استفاده از آزمون کاسکوئر، رابطه شیوه زندگی مسکونی با نوع جرم مورد آزمون قرار گرفت. همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، شیوه زندگی مسکونی از طریق احساس کنترل‌های اجتماعی با ارتکاب جرائم رابطه معناداری دارد. پس این فرضیه تأیید می‌شود.

جدول (۵) رابطه شیوه زندگی مسکونی با رفتار مجرمانه از طریق نبود کنترل‌های اجتماعی در محله

تعداد	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی - داری	دی - سامرز	سطح معنی داری دی - سامرز
۳۱۰	۵/۰۰۰	۱	۰/۰۲۵	۰/۰۸۳	۰/۱۰۲

فرضیه دوم: میزان ارتباط و تقلید افراد مجرم از دوستان با شیوه زندگی معاشرتی رابطه دارد.

در این بخش، به بررسی ارتباط متغیر تقلید افراد مجرم از دوستان با متغیر شیوه زندگی معاشرتی می‌پردازیم. چون که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای‌اند، برای بررسی ارتباط آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج بدست آمده از ماتریس همبستگی جدول (۶)، می‌توان گفت که بین تقلید افراد مجرم از دوستان خود و شیوه زندگی معاشرتی رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه در حد پایینی می‌باشد. بدین معنی که با بالا رفتن شیوه زندگی معاشرتی نواب در بین افراد، میزان تقلید افراد هم به نسبت پایینی بالا می‌رود و بر عکس.

جدول ۶) همبستگی بین تقلید از دوستان و شیوه زندگی معاشرتی

تعداد	سطح معنی- داری	ضریب همبستگی	متغیرها
۳۱۰	۰/۰۱۲	۰/۱۴۳	تقلید از دوستان شیوه زندگی معاشرتی

فرضیه سوم: شیوه زندگی تفریحی با جرم رابطه دارد.

در این بخش نیز، به بررسی ارتباط متغیر نوع جرم با متغیر شیوه زندگی تفریحی می‌پردازیم. چون که هر دو متغیر در سطح فاصله‌ای‌اند، برای بررسی ارتباط آن‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. با توجه به نتایج بدست آمده از ماتریس همبستگی جدول (۷)، می‌توان گفت که بین رفتار مجرمانه و شیوه زندگی تفریحی رابطه وجود دارد. از طرفی، مقدار این رابطه در حد متوسطی می‌باشد. بدین معنی که با بالا رفتن شیوه زندگی تفریحی ناباب در بین افراد، به همان اندازه رفتار مجرمانه در بین آنها بالا می‌رود و بر عکس.

جدول ۷) همبستگی بین رفتار مجرمانه و شیوه زندگی تفریحی

تعداد	سطح معنی- داری	ضریب همبستگی	متغیرها
۳۱۰	۰/۰۱۰	۰/۰۹۲	شیوه زندگی تفریحی رفتار مجرمانه

فرضیه چهارم: انتظار می‌رود تنبیهات بدنی و کم‌توجهی والدین از طریق ناراحتی-های عاطفی بر جرم تأثیر بگذارد.

با استفاده از آزمون کاسکوئر، رابطه شیوه زندگی روانی (تنبیهات بدنی و کم‌توجهی والدین) با رفتار مجرمانه مورد آزمون قرار گرفت. همان‌طور که در جدول (۸) مشاهده می‌شود، شیوه زندگی روانی از طریق ناراحتی‌های عاطفی با ارتکاب جرائم رابطه معناداری دارد. پس این فرضیه تأیید می‌شود.

جدول ۸) رابطه شیوه زندگی روانی با رفتار مجرمانه از طریق ناراحتی‌های عاطفی فرد

تعداد	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	دی-سامرز	سطح معنی‌داری دی-سامرز
۳۱۰	۱۶/۳۱۹	۸	۰/۰۴۹	۰/۱۰۳	۰/۰۴۰

- آزمونهای مربوط به مقایسه دو گروه مجرم و غیر مجرم

با استفاده از نمونه‌گیری سهمیه‌ای و بر اساس طبقه اجتماعی افراد مجرم و محبوس در زندان، به همان اندازه یعنی ۳۱۰ نفر از افراد غیر محبوس در زندان که در منطقه زندگی افراد زندانی زندگی می‌کردند، انتخاب شده و با استفاده از آزمون‌های مقایسه میانگین‌ها با هم مورد مقایسه قرار گرفتند.

تفاوت بین شیوه زندگی مسکونی افراد مجرم و غیر مجرم

بر اساس خروجی جدول (۹) و (۱۰) و تفسیر کلی نتیجه آزمون t می‌توان گفت که بین شیوه زندگی مسکونی افراد مجرم و افراد عادی تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین فرض H_0 که دلالت بر عدم تفاوت میانگین شیوه زندگی افراد مجرم با غیر مجرم دارد، تأیید می‌شود و در مقابل آن فرض H_1 رد می‌شود.

جدول ۹) نتایج آزمون t با دو گروه همبسته در مورد میزان تفاوت بین شیوه زندگی مسکونی افراد مجرم و غیر مجرم

		میانگین	N تعداد	انحراف استاندارد	خطای میانگین ها
مجرم	شیوه زندگی	۱۴/۳۹۶۸	۳۱۰	۲/۴۵۶۲۶	۰/۱۳۹۲۸
عادی	مسکونی	۱۳/۲۱۲۹	۳۱۰	۱/۵۸۰۵۷	۰/۰۸۹۷۷

جدول ۱۰) تفاوت بین شیوه زندگی مسکونی افراد مجرم و غیر مجرم

	اختلاف میانگین					t	درجه آزادی	سطح معناداری
	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین-ها	فاصله اطمینان ۰/۹۵				
				کرانه پایین	کرانه بالا			
مجرم - شیوه زندگی مسکونی عادی	۱/۱۸۳۸۷	۳/۰۱۰۵۱	۰/۱۷۰۹۹	۰/۸۴۷۴۳	۱/۵۲۰۳۱	-۶/۹۲۶	۳۰۹	۰/۲۱۲

تفاوت بین شیوه زندگی تفریحی افراد مجرم و غیر مجرم

جدول (۱۱) و (۱۲) نشان از این مطلب دارد که شیوه زندگی تفریحی جرم‌زا در بین افراد مجرم بیشتر از افراد عادی است. بنابراین فرض H_۰ که دلالت بر عدم تفاوت میانگین شیوه زندگی افراد مجرم با غیر مجرم دارد، رد می‌شود و در مقابل آن فرض H_۱ تأیید می‌شود. پس بین شیوه زندگی تفریحی افراد مجرم و غیر مجرم تفاوت وجود دارد.

جدول (۱۱) نتایج آزمون t با دو گروه همبسته در مورد میزان تفاوت بین شیوه زندگی تفریحی افراد مجرم و غیر مجرم

		میانگین	N تعداد	انحراف استاندارد	خطای میانگین‌ها
شیوه زندگی	مجرم	۲۹/۳۸۷۱	۳۱۰	۶/۶۶۶۲۳	۰/۳۷۸۶۲
تفریحی	عادی	۲۶/۷۳۲۳	۳۱۰	۶/۹۵۴۴۹	۰/۳۹۴۹۹

جدول (۱۲) تفاوت بین شیوه زندگی تفریحی افراد مجرم و غیر مجرم

	اختلاف میانگین					t	درجه آزادی	سطح معناداری
	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین‌ها	فاصله اطمینان ۰/۹۵				
				کرانه پایین	کرانه بالا			
شیوه مجرم - زندگی تفریحی عادی	-۲/۶۵۴۸۴	۹/۵۲۱۲۴	۰/۵۴۰۷۷	-۳/۷۱۸۹۰	-۱/۵۹۰۷۸	-۴/۹۰۹	۳۰۹	۰/۰۰۰

تفاوت بین شیوه زندگی معاشرتی افراد مجرم و غیر مجرم

جدول (۱۳) و (۱۴) حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین شیوه زندگی معاشرتی افراد مجرم و غیر مجرم وجود دارد.

جدول (۱۳) نتایج آزمون t با دو گروه همبسته در مورد میزان تفاوت بین شیوه زندگی معاشرتی افراد مجرم و غیر مجرم					
		میانگین	N تعداد	انحراف استاندارد	خطای میانگین‌ها
شیوه زندگی معاشرتی	مجرم	۷۴۸۴/۱ ۳۴	۳۱۰	۶/۴۵۴۳۱	۰/۳۶۶۵۸
	عادی	۱۵۸۱/۱ ۳۰	۳۱۰	۵/۴۲۲۹۷	۰/۳۰۸۰۰

جدول (۱۴) تفاوت بین شیوه زندگی معاشرتی افراد مجرم و غیر مجرم

	اختلاف میانگین				t	درجه آزادی	سطح معناداری	
	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین‌ها	فاصله اطمینان ۰/۹۵				
				کرانه پایین				کرانه بالا
شیوه زندگی معاشرتی - مجرم عادی	-۴۰۹۶۸/۱	۸/۲۰۰۲۷	۸۷/۴۶۶	-۱/۳۲۸۳۲	۰/۵۰۸۹۷	-۰/۸۷۸	۳۰۹	۰/۰۴۱

تفاوت بین شیوه زندگی روانی افراد مجرم و غیر مجرم

بر اساس جدول (۱۵) میانگین شیوه زندگی روانی در بین افراد مجرم که با آشفتگی همراه است، برابر با ۱۵/۳۴۵۲ و در بین افراد عادی برابر با ۱۴/۹۰۳۲ می‌باشد. اما، طبق جدول (۱۶) و نتیجه آزمون t نیز، باید عنوان داشت که تفاوت معناداری بین این دو وجود ندارد.

جدول (۱۵) نتایج آزمون t با دو گروه همبسته در مورد میزان تفاوت بین شیوه زندگی روانی افراد مجرم و غیر مجرم

		میانگین	Nتعداد	انحراف استاندارد	خطای میانگین ها
شیوه مجرم	مجرم	۱۵/۳۴۵۲	۳۱۰	۳/۵۷۴۴۸	۰/۲۰۳۰۲
زندگی عادی	عادی	۱۴/۹۰۳۲	۳۱۰	۳/۴۵۱۵۱	۰/۱۹۶۰۳
روانی					

جدول ۴-۳۲) تفاوت بین شیوه زندگی روانی افراد مجرم و غیر مجرم

	اختلاف میانگین					t	درجه آزادی	سطح معناداری
	میانگین	انحراف استاندارد	خطای میانگین-ها	فاصله اطمینان ۰/۹۵				
				کرانه پایین	کرانه بالا			
شیوه مجرم - زندگی عادی روانی	۰/۴۴۱۹۴	۰/۸۹۵۸۳	۰/۲۷۸۰۶	۰/۱۰۵۲۰	۰/۹۸۹۰۷	-۱/۵۸۹	۳۰۹	۰/۱۱۳

بحث و نتیجه گیری:

تلاش این مقاله در جهت بررسی تاثیر سبک زندگی بر پیشگیری از جرائم (بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری) در بین زندانیان و غیر زندانیان استان همدان بود. بر مبنای چارچوب نظری و مفهومی این مطالعه، سبک زندگی نقش عمده‌ای بر

پیشگیری از بروز جرم دارد. بنابراین، برای پیشگیری بیشتر از بروز رفتار مجرمانه و اینکه افراد جامعه بتوانند کارکردهای اصلی خود را به خوبی انجام دهند، لازم است تا سبک زندگی آنان از جمله سبک زندگی مسکونی، دینی، روانی، تفریحی و معاشرتی، بیشتر مورد بررسی قرار گیرد. در نظریه پنجره‌های شکسته و بوم‌شناختی بخصوص شاو و مک کی؛ سعی دارند با تکیه بر دیدگاه خود نشان دهند که شیوه زندگی مسکونی می‌تواند نقش عمده‌ای را در بروز جرائم و ناامنی، فقر و ضعف تعهدات و کنترل اجتماعی داشته باشد. یافته‌ها نیز، نشان دادند که بین شیوه زندگی مسکونی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معناداری وجود دارد. این نتایج نشان می‌دهد که مناطق متوسط و پایین شهر و همچنین، سایر معرف‌های مؤثر در شیوه مسکونی اعم از نوع منزل، تعداد اتاق، تعداد اعضای خانواده، انجام کارهای خلاف در محل سکونت، تشویق همسایگان به انجام جرم و ... در بروز رفتار مجرمانه مؤثر می‌باشد. بنابراین یافته‌های این پژوهش با دیدگاه بوم‌شناختی و پنجره‌های شکسته همخوانی دارد. نظریه ساترلند و نظریه تقلید گابریل تارد نیز، معتقدند که افراد انواع رفتارهای مجرمانه را در محیط اجتماعی از سایر مجرمین یاد می‌گیرند. در این پژوهش یافته‌ها نشان دادند که بین شیوه زندگی معاشرتی (ناباب) و بروز رفتار مجرمانه نیز، رابطه معناداری وجود دارد. بطوریکه صفات گروه همسالان فرد مجرم و میزان تماس‌های فرد مجرم با آنها و الگوپذیری از این دوستان در ارتکاب وی در رفتارهای مجرمانه مؤثر می‌باشد. اما، این معاشرت در زندان در هر بندی ادامه می‌یابد و الگوپذیری فرد را غنی‌تر و کامل‌تر می‌نماید و به نوعی زندان خود می‌تواند برای افرادی که شیوه زندگی خود را دوست محور بر می‌گزینند، آموزنده بسیاری از جرایم باشد. بنابراین، این یافته نیز با دیدگاه ساترلند و تارد همخوانی دارد.

بحث بعدی مربوط به شیوه زندگی تفریحی یا همان اوقات فراغت افراد است که دومازديه، وبلن و بوردیو به آن پرداخته‌اند. آنان اوقات فراغت را دارای کارکرد فکری- فرهنگی و منزلت بخش می‌دانند. به طور خاص بوردیو تمایزات طبقاتی را عامل مؤثری در انتخاب فراغت و فعالیت‌های فراغتی می‌داند و معتقد است که شیوه زندگی تفریحی در طبقات مختلف فرق می‌کند. بنابراین، امکان رفتن طبقات پایین به سمت و سوی فراغت ناسالم بیشتر از افراد در طبقات بالاتر است. یافته‌های این پژوهش هم با دیدگاه بوردیو، وبلن و دومازديه همخوانی دارد.

آلبرت باندورا و ریچارد والترز نیز، گفته‌اند که هم تنبیهات بدنی مستمر و هم بی‌مبالاتی زیاد در کنترل رفتار پسران جوان توسط والدین به بزهکاری جوانان می‌انجامد. یافته‌های این پژوهش نیز، نشان از آن دارد که بین شیوه زندگی روانی و بروز رفتار مجرمانه رابطه معناداری وجود دارد. افرادی که با توجه به ساختارهای حاکم نتوانسته‌اند سلامت و آرامش را در شیوه زندگی خویش به دست آورند. اغلب دارای آشفتگی روانی می‌باشند. این افراد دارای مشاجره و ناسازگاری در زندگی و وضعیت خانوادگی نابسامان بوده و اطرافیان به آنها خیانت نموده‌اند و اکثراً دارای روابط نامشروع بوده‌اند. آنها وقتی نتوانند به اهداف خود یا وسایل قابل قبول در جامعه برسند، دچار آشفتگی روانی می‌شوند. این آشفتگی می‌تواند منبعت از سایر عوامل جرم‌زا نیز باشد در گروه‌های جرمی مجرمین مواد مخدر و سارقین دارای بیشترین آشفتگی در شیوه زندگی خود می‌باشند. بنابراین، این امر مهم است که به صورت مجزا به بررسی سبک زندگی در بین این دو گروه یعنی مجرمین مواد مخدر و سارقین باشیم.

نتایج نشان داد که بین شیوه زندگی مسکونی دو گروه مجرم و غیر مجرم تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در واقع، با ثابت نگه داشتن متغیرهای محل سکونت و سن

۳۱۰ نفر از افراد غیر مجرم با ۳۱۰ نفر از افراد مجرم در پنج گروه جرمی از لحاظ سبک زندگی مسکونی مورد مقایسه قرار گرفتند و نتایج نشان می‌دهد بین شیوه زندگی دو گروه اختلاف وجود ندارد.

هم‌چنین، نتایج نشان داد که بین شیوه زندگی روانی دو گروه مجرم و غیر مجرم تفاوت معناداری وجود ندارد. به نوعی که این دو گروه به لحاظ شیوه زندگی روانی یکسان می‌باشند و دارای حوادث یکسان در شیوه زندگی خویش می‌باشند. هر دو گروه از نظر داشتن مشاجره و ناسازگاری بین اعضای خانواده، میزان تصمیم‌گیری و مشارکت در خانواده، میزان تنبیه شدن توسط اعضای خانواده، داشتن روابط نامشروع و خیانت از طرف خانواده با هم تفاوتی ندارند. و این خود می‌تواند عامل خطرسازی برای جامعه باشد.

نتایج نشان داد که بین شیوه زندگی معاشرتی و تفریحی دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد که قابل توجه است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که معاشرت با دوستان ناباب، تفریحات جرم‌زا، وضعیت محله‌های مسکونی و عدم بهداشت روانی افراد در زندان همدان با بروز انواع رفتارهای مجرمانه رابطه دارد و این عوامل می‌توانند محرک و تبیین‌کننده بروز انواع جرم‌ها در بین افراد باشند و به مرور زمان سبک زندگی افراد را به سوی نابهنجاری و ناسالم بودن تغییر دهند.

پیشنهادات:

در این قسمت با توجه به اهداف و نتایج تحقیق به برخی از پیشنهادات پژوهشی و کاربردی اشاره می‌شود.

- ۱- شناخت دقیق نگرش مجرمین در علت ارتکاب به جرم با استفاده از تحقیقات پژوهشی دیگر.
- ۲- شناسایی اختصاصی و تفکیک شده شیوه زندگی هر یک از گروه‌های جرمی مثلاً شناخت شیوه زندگی قاتلین و سارقین با استفاده از تحقیقات پژوهشی دیگر.
- ۳- توجه کافی و مناسب به اوقات فراغت جوانان و توسعه امکانات ورزشی، تفریحی و فرهنگی سالم و فعالیت بلندمدت برای برنامه‌ریزی صحیح اوقات فراغت در تمامی گروه‌های سنی (با ایجاد کلاس‌های رایگان).
- ۴- با توجه به سطح سواد پایین و مشاغل رده پایین مجرمین، آموزش خانواده‌ها توسط نهادهای مسئول به منظور ایجاد پیوند قوی‌تر بین والدین و فرزندان ضروری به نظر می‌رسد.
- ۵- از آنجا که بیشتر مجرمین جزء طبقات پایین جامعه و در محله‌های پایین زندگی می‌کنند، شناسایی دقیق محیط شهری و مشخص نمودن سکونتگاه‌های غیررسمی و جلوگیری از رشد آن‌ها و داشتن توجه به عوامل شکل‌گیری کانون‌های جرم خیز در کنار اجرای طرح‌های ضربتی مقابله با جرایم در چنین مناطقی پیشنهاد می‌شود.
- ۶- همچنین، کاهش تراکم جمعیت و افزایش متراژ واحدهای مسکونی در محله با اتخاذ سیاست‌های سلبی مانند سخت‌گیری در صدور پروانه‌های ساختمانی به متراژهای پایین در قبال اتخاذ سیاست‌های تشویقی بر واحدهای مسکونی با متراژهای بالاتر از دیگر پیشنهاد‌های نویسندگان این تحقیق است. پس توجه به مقوله ساختاری و طراحی کالبدی شهر برای جلوگیری از ایجاد مناطقی با

- ساختار نامناسب فیزیکی می‌تواند عامل مؤثری در پیشگیری از جرائم و انحرافات اجتماعی باشد.
- ۷- گسترش خدمات مددکاری اجتماعی، روانشناسی و مشاوره به آحاد جامعه، بخصوص در مناطق پایین شهر.
- ۸- فعالیت بلندمدت برای اشتغال افراد بیکار جهت جلوگیری از بروز تکرار جرم و دادن وام بلاعوض به زندانیان پس از آزادی.

منابع:

- احمدی، حبیب (۱۳۷۷)، نظریه‌های انحرافات اجتماعی، شیراز، انتشارات رز.
- جنکینز (۱۳۸۵)، گی یر بوردیو، مترجم: لیلا جوهر افشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- رحمت‌آبادی، الهام و آقابخشی، حبیب (۱۳۸۵)، سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۲۳۵-۲۵۳.
- ربانی، رسول و شیرینی، حامد (۱۳۸۸)، اوقات فراغت و هویت اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، صص ۲۰۹-۲۴۲.
- عبادی‌نژاد، سید علی و اسکندری، محمد حسین و اصانلو، علی و مرتضوی، سید امین (۱۳۹۱)، تحلیل مکانی مؤلفه‌های مؤثر بر پیشگیری از جرم (مطالعه موردی شهر مرودشت در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹)، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم (علمی- ترویجی)، سال ۷، شماره ۲۴، صص ۱۱۷-۱۳۶.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
- کوتر، رابرت، یولن، تامس (۱۳۸۸) حقوق و اقتصاد .ترجمه یدالله دادگر، حامده اخوان هزاوه. همدان :انتشارات نور علم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه دکتر ناصر موفقیان، چاپ غزال، تهران، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) تجدد و تشخص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱)، انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران، انتشارات شرکت سهامی.
- مداح، مجید و خیرخواهان، ابراهیم (۱۳۸۹)، تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان شهر سمنان)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۱۰۸- ۱۳۰.

- ملکمیان، لینا، شریفیان، سعید (۱۳۸۸) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم در زنان زندانی، پژوهش اجتماعی،
- میری، سید محمد و رزاقی، فاطمه و حیدری، زهرا (۱۳۹۲)، " اهمیت مطالعه پیرامون سبک زندگی: بررسی کمی مقالات موجود در زمینه سبک زندگی"، سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، (۲).۱.صص ۱۶-۱۸.
- وبلن، ت. (۱۳۸۳)، نظریه طبقه مرفه، مترجم: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- Derrick Armstrong, Jean Hine, Sue Hacking, Remos Armaos, Roy Jones, Nicolai Klessinger, Alan France, (۲۰۰۵), Children, risk and crime: the On T rack Youth Lifestyles Surveys, Home Office Research, Development and Statistics Directorate.
- Hahan. J. (۱۹۹۴). Crime and Disrepute. U.S.A: pine forge press.
- Mbosowo (۱۹۸۱), "Social Deviance and Labeling Process: A Sociological Study of Nigerian Student", PhD. Thesis.
- Parkins.D.D.A. Abraham.R Richard. And B. taylor. (۱۹۹۳). The physical Environment of street crime. Journal of environmental psychoiogy vol. ۱۳.